

## مراجع ثلاث

### نگاهی به زندگی سه مرجع تقلید تأثیرگذار جهان تشیع

✦ سید علی هاشمیان

همین اخلاص و تقوای باطنی آیت الله حجت بود که باعث شد وقتی آیت الله بروجردی به قم آمد با کمال فروتنی از ایشان استقبال کند و محل و ساعت درس خود را در اختیار او بگذارد و حتی در برابر چشم دیگر علما، فضلا و طلاب دست آیت الله بروجردی را بیوسد. با این که او خود مرجعی بزرگ و مشهور بود و مقلدان فراوانی از او تقلید می کردند و سال ها قبل از آمدن آیت الله بروجردی در قم مرجعیت، زعامت، دفتر، تدریس و موقعیت ویژه داشت (صفحه ۶۵).

مراجع ثلاث، عنوان کتابی است که در آن سرگذشت زعیم حوزه علمیه قم بعد از وفات شیخ مؤسس، حضرت آیت الله حائری یزدی در خلال سال های ۱۳۱۵ الی ۱۳۲۳ بیان شده است که در طی این هشت سال حضرات آیات، سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر و سید محمد حجت کوه کمری، علاوه بر سرپرستی حوزه علمیه قم به طور مشترک، هر يك متصدی مقام فتوا نیز بودند.

مدارس قدیمی قم، توسط آیت الله حائری، در سال ۱۳۰۱ ساماندهی و با مدیریت ایشان حرکت علمی جدیدی را آغاز کرد. ایشان با آینده نگری و توجه به سرنوشت حوزه، قبل از وفات، مدیران بعد از خود یعنی آیت الله حجت و آیت الله صدر را تعیین نمود که در آینده و با پیوستن آیت الله خوانساری به آن ها حوزه علمیه به صورت مشترک اداره شد. با درگذشت آیت الله حائری در اوج قدرت رضاخانی و با وجود مشکلات فراوان اجتماعی و سیاسی در جامعه و با توجه به نقش تأثیرگذار حوزه در بقای اسلام در استبداد رضاخانی، موضع گیری این سه مرجع از اهمیت ویژه ای برخوردار بود که بررسی این مواضع بخشی از کتاب را به خود اختصاص داده است که از آن میان می توان به فتوای آیت الله خوانساری مبنی بر حرام بودن کشف حجاب و وجوب جلوگیری از آن از باب نهی از منکر و حمایت ایشان از آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی در ماجرای ملی شدن صنعت نفت و هم چنین حمایت و پشتیبانی از فداییان اسلام اشاره کرد. در آن ماجرا بنا به گفته آیت الله سید حسن بدلا که با مراجع ثلاث ارتباط نزدیکی داشته است، آیت الله خوانساری و آیت الله صدر آشکارا عملکرد این گروه را تأیید می کردند ولی آیت الله حجت درباطن، حامی این گروه بود و برحسب ظاهر از آن ها حمایت نمی کرد.

این بنای مقدس، تأثیرات مهمی در بقا و گسترش اسلام در طول مدت استبداد و سلطه بیگانگان در ایران از ابتدای تأسیس تا کنون داشته است و از مهم ترین ثمرات آن می توان به تربیت شخصیت های تأثیر گذار در تاریخ معاصر مانند حضرت امام خمینی (ره) و مبدل شدن این حوزه به بزرگ ترین مرکز علوم دینی در دنیا اشاره کرد.

با شناخت این تأثیرات، ثمرات و مشکلات آن روزها همچون سرکوبی حوزه توسط حاکمیت، معضلات سیاسی و اجتماعی حاصل از جنگ جهانی دوم و جریان های روشنفکری دگراندیش ضد دین می توان به اهمیت کار این سه مرجع کمتر شناخته شده پی برد که با وجود تمام مشکلات و شرایط آن سال ها توانستند حوزه را از حوادث و خطرات موجود حفظ کرده و به میراثی گرانبها برای آیندگان تبدیل کنند.

مؤلف با قلمی روان و ساده به طور مختصر در این کتاب به مشکلات پیش روی این سه مرجع در طول مدیریت و انتقال آن به آیت الله بروجردی اشاره می کند و طی آن از نقش تأثیرگذار امام خمینی (ره) برای انتقال آیت الله بروجردی به قم سخن می گوید که معلوم نبود اگر این هجرت رخ نمی داد سرنوشت حوزه علمیه قم با آن شرایط چه می شد؟ این کتاب که توسط آقای مصطفی قلی زاده علیار جمع آوری شده است، در فصل اول به زندگی مختصر مراجع ثلاث پرداخته و در فصل دوم تاریخچه ای از سرگذشت حوزه علمیه قم از ابتدای تأسیس تا زعامت آیت الله بروجردی را بیان کرده است.

این کتاب با طراحی و چاپی زیبا در ۲۱۲ صفحه توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی به زیور طبع آراسته شده است. چاپ اول آن در پاییز ۱۳۸۹ و شمارگان آن ۱۵۰۰ نسخه بوده است. شما می توانید با پرداخت ۲۴۰۰ تومان يك نسخه از آن را داشته باشید.  
برش هایی از کتاب:

خوانساری بر اثر گلوله متجاوزان انگلیسی، از ناحیه پا به شدت مجروح گردید و به اسارت قوای تجاوزگر انگلیسی درآمد. او با اینکه زخمی بود، انگلیسی ها علی رغم وساطت و تلاش های علما و سیاسیون و افراد متنفذ عراقی، از آزاد کردنش خودداری کردند؛ زیرا خوانساری در مقاومت مجاهدان عراقی نقش تأثیرگذاری داشت و انگلیسی ها از او خشمگین بودند(صفحه ۲۷).

همین اخلاص و تقوای باطنی آیت الله حجت بود که باعث شد وقتی آیت الله بروجردی به قم آمد با کمال فروتنی از ایشان استقبال کند و محل و ساعت درس خود را در اختیار او بگذارد و حتی در برابر چشم دیگر علما، فضلا و طلاب دست آیت الله بروجردی را ببوسد. با این که او خود مرجعی بزرگ و مشهور بود و مقلدان فراوانی از او تقلید می کردند و سال ها قبل از آمدن آیت الله بروجردی در قم مرجعیت، زعامت، دفتر، تدریس و موقعیت ویژه داشت (صفحه ۶۵).  
يك روز شخصی در حضور آیت الله صدر که تعدادی از افراد نزدیک هم حاضر بودند، زبان به مذمت آن فقیه و مرجع بزرگ (آیت الله بروجردی) باز کرد و با زیرکی گفت: «آقای صدر! آخر شما چرا این کار را کردید؟ (در استقبال و تأیید آیت الله بروجردی و واگذاری محل نماز جماعت خود به او پیشگام شدید و خود را فدای او کردید)» آیت الله صدر با هوشیاری و اخلاص تمام گفت: «من به يك چیز اعتقاد دارم و آن رهبری واحد است. هر کدام از آقایان (مراجع و علمای بزرگ) درس و بحث دارند، من اگر نشد که نماز بخوانم توی خانه ام نماز می خوانم ولی این رهبری واحد [آیت الله بروجردی] را اگر دنبال کنیم به يك جایی می رسد که يك کاری انجام بشود، اتحاد و همدلی به وجود می آید. من به این اتحاد خیلی علاقه دارم» (صفحه ۱۵۸).